



رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهر زاهدان

نویسندگان: حسین جناآبادی^۱ فرامرز سابقی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۴۹۹۱۳۷، Email: hjenaabadi@ped.usb.ac.ir

۲. دانشجوی دوره دکترای روانشناسی تربیتی دانشگاه سمنان

چکیده

مقدمه: تولد کودک کم توان ذهنی کیفیت زندگی والدین را تحت تأثیر خود قرار می دهد و پذیرش واقعیت ها، شکیبایی و تحمل هنگام رویارویی با مسائل و مشکلات بستگی زیادی به جهان بینی والدین و چگونگی ارتباط شان با جهان هستی (معنویت) دارد. در همین راستا هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهر زاهدان می باشد.

روش بررسی: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- همبستگی است و جمعیت مورد مطالعه آن والدین کودکان کم توان ذهنی مراجعه کننده به مرکز بهزیستی شهر زاهدان در بین ماه های مهر تا آذر ۱۳۹۱ بود که به صورت نمونه گیری هدفمند ۱۲۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه دلبستگی به خدا (لارسن و غباری بناب، ۲۰۰۹) و مقیاس معناداری زندگی (باتیستا و آلموند، ۱۹۷۳) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم افزار SPSS17 استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد که سطح دلبستگی به خداوند و معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی بالاتر از میانگین بود و بین دلبستگی به خدا و تمامی ابعاد آن با معناداری زندگی این گروه از والدین رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. هم چنین از بین ابعاد دلبستگی به خدا، ابعاد جوارجویی، پایگاه امن، پناهگاه امن، ادراک مثبت از خود و اضطراب جدایی قابلیت تبیین و پیش بینی معناداری زندگی این گروه از والدین را داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به محرز شدن نقش دلبستگی به خدا در معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی، تشکیل جلسات معنویت درمانی و آموزش استفاده از شیوه های مقابله مذهبی در حذف و بر طرف نمودن استرس ها و معنادارسازی زندگی این گروه از والدین توسط سازمان ها و نهادهای مربوطه از قبیل بهزیستی، آموزش و پرورش کودکان استثنایی و صدا و سیما پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: دلبستگی به خدا، معناداری زندگی، والدین کودکان کم توان ذهنی

طلوع بهداشت

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال سیزدهم

شماره: دوم

خرداد و تیر ۱۳۹۳

شماره مسلسل: ۴۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱



مقدمه

از میان متغیرهایی که نقش عمده در پیش بینی و حفظ سلامت جسمی و روانی افراد دارند، می توان به مفهوم معناداری زندگی (Meaningful life) اشاره کرد (۱). معناداری زندگی به ادراک نظم، انسجام و هدف در هستی و دنبال کردن اهداف ارزشمند و نیل به آنها همراه با حس رضایتمندی اشاره دارد (۲). این اصطلاح شامل دو مؤلفه داشتن معنا در زندگی و تلاش برای جست و جوی معناست. داشتن معنا در زندگی به حالتی اطلاق می شود که بر اساس آن دریافت شخص از تجارب زندگی بر این حس متکی است که رویدادهای زندگی هدفمند بوده و در راستای آن هدف شکل می گیرند. در حالی که تلاش برای جست و جوی معنا به فعالیت و شدت تمایل افراد به یافتن، ساختن و یا بحث در مورد معنای زندگی اطلاق می شود (۳). با وجودی که هر دو مؤلفه در بهداشت روانی و جسمی مؤثر هستند اما داشتن معنا در زندگی توجه بیشتری را به خود جلب نموده و به نظر می رسد ارتباط قوی تری با سلامت جسمی و روانی داشته باشد (۴). کسانی که زندگی خود را معنادار می بینند معتقدند که زندگی هدف مهمی داشته و قابل فهم است. هدف گرایی بیان کننده الگوی منسجمی از باورها، اسناد و هیجانات فرد است که تعیین کننده مقاصد رفتاری فرد در ارتباط با دیگران بوده و منجر به گرایش بیشتر افراد نسبت به برخی موقعیت ها و عملکرد خاص آنان می شود (۵). هدفمندی و معناداری در زندگی افراد را قادر می سازد تا مسائل پیچیده، ارزشی و چالشی را در زندگی فردی، گروهی و سازمانی حل کنند (۶).

معناداری زندگی، جایگاه و اهمیت آن برای برخوردار بودن از یک زندگی خوب و شاد، امری انکار ناپذیر و غیر کتمان است (۷). وجود معنا در زندگی عنصری اساسی در بهزیستی روانی-عاطفی است و به صورت سیستماتیک با ابعاد گوناگونی از شخصیت، سلامت جسمی و ذهنی، سازگاری و انطباق با استرس ها، مذهب و فعالیت های مذهبی و اختلالات رفتاری ارتباط دارد (۸). پژوهش ها هم چنین نشان داده اند معناداری زندگی نقش مهم و بسزایی در بهزیستی روان شناختی (۹)، رضایت از زندگی (۱۰)، عملکرد بهتر سیستم ایمنی (۱۱)، احساس خودکارآمدی (۱۲)، افزایش توان فرد در مقابله با مشکلات (۱۳) و کاهش افسردگی و موقعیت های استرس زا (۱۴) دارد. ریشه همه ی نابسامانی های روانی به این بر می گردد که شخص معنایی برای زندگی خود نمی یابد و هدفی برای زندگی در سر ندارد. برای درمان همه ی انواع این بیماری های روانی، باید به شخص بیمار معنا و هدف القا کنیم. اگر شخص هدف یافت، وضع روانی او بهنجار می شود و با ورود معنا به زندگی، همه ی خواست ها و سلوک فرد به یک هدف معطوف می شود و سرپای وجود طالب یک چیز می شود (۱۵). بنابراین می توان پذیرفت معناداری زندگی نه تنها در احساس سازنده بودن انسان مؤثر بوده بلکه حتی ماهیت انسان و وجود او منوط به دارا بودن چنین مفهومی است (۳).

هنگامی که افراد در یک موقعیت استرس زا قرار می گیرند، سعی می کنند از فشارهای روانی ناشی از این موقعیت با استفاده از شیوه های مقابله ای مناسب اجتناب کنند. مهارتهای مقابله با موقعیت



شده و کودک نیاز به مراقبت و حمایت والدین خود را حس می کند. فرد نا ایمن نیز، خدا را به عنوان پناهگاه مطمئن جستجو می کند (۲۱،۲۲،۲۳). کرک پاتریک (Kirkpatrick, 1994) ویژگی های دلبستگی به خدا را اینگونه تشریح می کند: الف) چهره دلبستگی به عنوان پناهگاه امن و مطمئن: موقعیت های ناگوار از جمله جنگ، از دست دادن عزیز، طلاق یا ترس از بیماری های جدی و مشکلات ارتباطی نظام دلبستگی را فعال می کند و در این قبیل موقعیت ها اکثر افراد دعا می خوانند و به سوی خدا بر می گردند. ب) چهره دلبستگی به عنوان پایه و اساس ایمنی: فرد با اعتقاد به این که خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت می کند و اعتماد به نفس او هنگام اضطراب و ترس افزایش می یابد. این احساس ایمنی به آرامش روانی فرد منجر می شود و وی را برای مقابله با مشکلات و چالش های زندگی آماده می کند. بنابراین ایمنی همانند پادزهری در برابر ترس و اضطراب است. ج) در دلبستگی های انسانی، تهدید جدایی، موجب اضطراب در شخص و فقدان چهره دلبستگی، باعث غم و اندوه شخص دلبسته می شود. اگرچه جدایی از خدا نیز موجب اضطراب و فقدان او موجب غم و اندوه می شود اما خداوند "فراگیر" است و همه جا وجود دارد. بنابراین فرد نمی تواند همانطور که از یک چهره دلبستگی انسانی جدا شود یا او را از دست می دهد از خدا نیز جدا شده یا او را از دست دهد زیرا خدا یک موضوع دلبستگی مطلق است که به هنگام نیاز همیشه در دسترس است (۲۴).

از آنجا که والدین کودکان کم توان ذهنی به طور مکرر در موقعیت های استرس زا و به تبع آن در معرض روان نژندی قرار

های استرس زا به عنوان کوششی برای افزایش سازگاری فرد با محیط یا تلاش برای پیشگیری از بروز پیامدهای منفی شرایط استرس زا توصیف شده اند. از این مهارت های مقابله با موقعیت استرس زا، مقابله مذهبی می باشد به گونه ای که اکثر پژوهش های مرتبط با این موضوع به نقش مذهب به عنوان شیوه ای برای مقابله با تنش اشاره نموده اند (۱۶،۱۷). مقابله مذهبی به عنوان روشی که منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل به خداوند را برای مقابله به کار می برد تعریف می شود (۱۸).

یکی از متغیرهای روان شناختی که جایگاه ویژه ای در روان شناسی دینی به خود اختصاص داده دلبستگی به خداوند (Attachment to God) است. نظریه دلبستگی اولین بار توسط بالبی (۱۹۷۳) به منظور توصیف و توضیح این که چگونه کودک به طور هیجانی و عاطفی با مراقبش پیوند می یابد مطرح شد. این نظریه بیان می کند کودکان مجموعه ای از رفتارهای فطری دلبستگی (نظیر گریه، لبخند) را نشان می دهند که پیامد کلی مجموعه این رفتارها حفظ مجاورت فیزیکی با چهره اصلی دلبستگی است که باعث افزایش بقای کودک در برابر خطرهای احتمالی محیط می شود. نکته قابل تأمل این است که نظام دلبستگی از گهواره تا مرگ فعال است (۱۹). نظام دلبستگی یک تحول همیشگی و دائمی است و اگرچه رفتار دلبستگی در دوران کودکی واضح تر و روشن تر است اما در چرخه زندگی به خصوص در مواقع اضطرابی نیز مشاهده می شود (۲۰).

ارتباط با خدا شباهت چشم گیری به دلبستگی مراقبت کودک دارد به طوری که در هنگام استرس، سیستم دلبستگی کودک فعال



روش بررسی

با توجه به نوع تحلیل داده ها، مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جمعیت مورد مطالعه آن والدین کودکان کم توان ذهنی مراجعه کننده به مرکز بهزیستی شهر زاهدان در بین ماه های مهر تا آذر ۱۳۹۱ بود که به صورت نمونه گیری هدفمند ۱۲۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه ذیل استفاده شد: الف) پرسشنامه دلبستگی به خدا (لارسن و غباری بناب، ۲۰۰۹) که ۶ بعد دلبستگی معنوی را به شرح ذیل می سنجد: ۱) جوارجویی (میزان نزدیکی فرد به خداوند) ۲) پناهگاه امن (رجوع به خداوند به منظور کسب آرامش) ۳) پایگاه امن (کسب اعتماد به نفس و جرأت مواجهه با مسائل و مشکلات پس از رجوع به خداوند) ۴) اعتراض به جدایی (احساس ناراحتی و نگرانی در صورت رویگردانی خداوند) ۵) ادراک مثبت از خود (داشتن لیاقت و شایستگی به منظور تحت حمایت خداوند بودن) و ۶) ادراک مثبت از خدا (خدای مهربان، در دسترس و قادر مطلق). این آزمون دارای ۴۶ گزاره و به صورت مقیاس ۷ گزینه ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تنظیم شده است. مقدار ضریب پایایی آزمون در مطالعه حسن پور و دیگران ۰/۷۸ گزارش شده است که بیانگر پایایی مطلوب آزمون می باشد.

ب) مقیاس معناداری زندگی: در این پژوهش از مقیاس معناداری زندگی باتیستا و آلموند (۱۹۷۳) که دباتس (۱۹۸۸) آن را تجدید نظر کرده است، استفاده گردید. این مقیاس شامل ۲۸

دارند (۲۵)، استفاده از این شیوه مقابله (دلبستگی به خدا) می تواند کارساز باشد. یافته های مطالعه کافمن (Kaufman) و دیگران (۱۹۹۰) نشان داد که مادران کودکان ناتوان ذهنی با اعتقادات مذهبی بیشتر از استرس مراقبت کمتری در نگهداری از کودکان خود برخوردارند (۲۶).

یافته ها هم چنین نشان می دهند که جهت گیری مذهبی با موارد رضایت از زندگی، سازگاری روان شناختی، عزت نفس، خویشتن داری و عملکرد بهتر شخصی، هدفمندی زندگی، کنترل درونی، روحیه و سازگاری همبستگی مثبت و با موارد اضطراب و به ویژه اضطراب مرگ، روان رنجوری، افسردگی، خودکشی، خودشیفتگی و تکانش وری همبستگی منفی دارد (۲۷).

تولد کودک کم توان ذهنی کیفیت زندگی والدین را تحت تأثیر خود قرار می دهد و پذیرش واقعیت ها، شکیبایی و تحمل هنگام رویارویی با مسائل و مشکلات بستگی زیادی به جهان بینی والدین و چگونگی ارتباط شان با جهان هستی (معنویت) دارد و با توجه به عدم انجام تحقیقی در ایران جهت بررسی نقش دلبستگی به خدا در معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی ضرورت و اهمیت انجام این مطالعه را دو چندان می کند. در مطالعه حاضر مقوله دلبستگی به خدا به عنوان متغیر مستقل و مقوله معناداری زندگی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است؛ و هدف اصلی آن بررسی رابطه دلبستگی به خداوند و ابعاد آن با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی است.



آزمون به صورت مصاحبه تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم افزار SPSS17 استفاده شد.

یافته ها

در مطالعه حاضر، ۱۲۵ نفر شرکت داشتند که ۶۵/۶ درصد زن، ۵۹/۲ بیسواد و کم سواد، ۵۰/۴ درصد بیکار یا داری کار موقتی، ۸۱/۶ درصد با همسر و ۱۸/۴ درصد به صورت مجرد (به علت فوت یا متارکه همسر) زندگی می کردند. برای بررسی مقوله های دلبستگی به خدا و معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی از آمار توصیفی استفاده شد که یافته های آن در جدول ۱ گزارش شده است. یافته های این جدول نشان می دهد که دلبستگی به خدا و معناداری زندگی این گروه از والدین نسبتاً مطلوب می باشد.

گویه و دو خرده مقیاس به نام های چارچوب (ادراک فرد از ساختار و فلسفه زندگی و رویکرد او برای استنباط معنا در زندگی خود) و رضایت (ادراک فرد از زندگی کردن براساس چارچوب انتخابی اش) می باشد. هر کدام از این دو خرده مقیاس ۱۴ گویه دارند که در برابر آنها یک طیف سه گزینه ای (موافقم، نظری ندارم و مخالفم) قرار دارد. زاهد بابلان و دیگران (۱۳۹۱) ضریب پایایی آن را ۰/۹۱ گزارش نموده اند که نشان از پایایی مطلوب آزمون دارد.

برای جمع آوری اطلاعات ابتدا هدف مطالعه برای والدین کودکان کم توان ذهنی منتخب تشریح شد و از آنها خواسته شد که پرسشنامه های دلبستگی به خدا و معنا داری زندگی را با دقت مطالعه و تکمیل نمایند و سؤالی را تا حد امکان بی جواب نگذارند. در مواردی که آزمودنی ها بی سواد یا کم سواد بودند

جدول ۱: گزارش توصیفی متغیر دلبستگی به خدا و معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی

متغیر	تعداد	حداقل میانگین	حداکثر میانگین	میانگین	انحراف استاندارد
جوارجویی	۱۲۵	۵۲	۵۹	۵۵/۷۲	۲/۴۹
پناهگاه امن	۱۲۵	۴۲	۴۹	۴۵/۰۵	۲/۳۲
پایگاه امن	۱۲۵	۴۸	۵۶	۵۱/۷۲	۲/۳۲
اعتراض به جدایی	۱۲۵	۳۰	۴۰	۳۴/۵۲	۲/۳۹
ادراک مثبت از خود	۱۲۵	۳۰	۳۹	۳۳/۹	۲/۵۶
ادراک مثبت از خدا	۱۲۵	۴۸	۵۶	۵۱/۱۹	۲/۴۷
دلبستگی کلی به خدا	۱۲۵	۲۵۷	۲۸۹	۲۷۲/۱۲	۷/۲۴
معناداری زندگی	۱۲۵	۴۹	۵۶	۵۲/۶۳	۲/۴۵



رابطه چندگانه معنادار بین ابعاد دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج در جداول ۳ و ۴ گزارش شده است.

در تحلیل رابطه دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی مقدار F به دست آمده در سطح (۰/۰۰۰) معنی دار بوده است. مقدار R محاسبه شده (۰/۸۲۲) و R^2 (۰/۶۷۶) بوده است. از این رو ۰/۶۷۶ درصد تغییرات مرتبط با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی با متغیرهای دل‌بستگی به خداوند قابل تبیین است. ضرایب (Beta) نشان می‌دهد از بین متغیرهای دل‌بستگی به خدا متغیرهای جوارجویی، پناهگاه ایمن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی و ادراک مثبت از خود با تغییرات نمرات معناداری زندگی رابطه معنی داری داشته اند (جدول ۴).

برای بررسی رابطه دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که یافته های آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی دل‌بستگی به خدا با معناداری زندگی

معناداری زندگی	ابعاد دل‌بستگی به خدا
**۰/۲۳۱	جوارجویی
**۰/۳۵۳	پناهگاه امن
**۰/۶۱۴	پایگاه امن
**۰/۲۴۹	اعتراض به جدایی
**۰/۳۹۶	ادراک مثبت از خود
**۰/۵۸۸	ادراک مثبت از خدا
**۰/۸۱۳	دل‌بستگی کلی به خدا

** همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱

یافته ها بیانگر رابطه مثبت و معنادار دل‌بستگی به خدا و تمامی ابعاد شش گانه آن با معناداری زندگی می باشد. هم چنین برای بررسی

جدول ۳: گزارش رگرسیون چندگانه برای تبیین معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی

متغیرها	SS	DF	R	R^2	MS	F	P
رگرسیون	۴۲۲/۶	۶					
باقیمانده	۲۰۲/۴	۱۱۸	۰/۸۲۲	۰/۶۷۶	۷۰/۴۳	۴۱/۰۵	۰/۰۰۰
کل	۶۲۵	۱۲۴			۱/۷۱		

جدول ۴: پیش بینی معناداری زندگی بر اساس ابعاد دل‌بستگی به خدا

متغیرها	B	BETA	S.E	T	P
مقدار ثابت	-۱۵/۴۳		۴/۷	-۳/۲۸	۰/۰۰۱
جوارجویی	۰/۲۴۷	۰/۲۷۵	۰/۰۴	۵/۱۳	۰/۰۰۰
پناهگاه امن	۰/۲۱۶	۰/۲۲۴	۰/۰۵	۴/۱۵	۰/۰۰۰
پایگاه امن	۰/۳۸۵	۰/۳۹۸	۰/۱۱	۳/۵۱	۰/۰۰۱
اعتراض به جدایی	۰/۱۷۶	۰/۱۸۸	۰/۰۵	۳/۵۴	۰/۰۰۱
ادراک مثبت از خود	۰/۳۰۶	۰/۳۴۹	۰/۰۴	۶/۶	۰/۰۰۰
ادراک مثبت از خدا	۰/۱۶۱	۰/۱۷۷	۰/۱	۱/۵۳	۰/۱۲۷



بحث و نتیجه گیری

والدین کودکان کم توان ذهنی نسبت به سایر والدین، استرس بیشتری را به دلایل نگرانی درباره چگونگی کنار آمدن کودک با مشکلات آینده، مشکلات رفتاری و سطح ناتوانی کودک، تغییر در روابط خانوادگی، هزینه های اقتصادی سنگین، رویاهای بر باد رفته، رفتارهای ترحم آمیز دیگران، نگرش منفی جامعه، کمبود اطلاعات، محدودیت دسترسی به خدمات و امکانات و تعارضات مربوط به داشتن فرزندی دیگر تحمل می کنند (۲۸) که این عوامل استرس زا می تواند کیفیت زندگی شخصی و خانوادگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (۲۹).

این گروه از والدین، برای بالا بردن کیفیت زندگی شان شیوه های مقابله ای متفاوتی را به کار می برند که در مطالعه حاضر به ارتباط دل بستگی به خدا با معناداری زندگی آنها پرداخته شد. مکانیزم های سازگاری و شیوه های مقابله ای، تعیین کننده مکان فرد در طیف سلامت و بیماری روانی است که به کارگیری مناسب آن منجر به ارزیابی درست موقعیت، احساس امنیت، دست یابی به حمایت، انعطاف پذیری، رشد و کسب هویت در فرد می گردد. در همین راستا مقابله و سازگاری مذهبی، روشی است که انسانها از عقاید و شعائر مذهبی جهت رویارویی با مشکلات و فشارهای زندگی بهره می گیرند (۳۰).

یافته های مربوط به معناداری زندگی این گروه از والدین نشان داد که آنها از سطح نسبتاً مطلوبی از معناداری زندگی برخوردارند (جدول ۱) که بیانگر این موضوع است که آنها معتقدند که

زندگی هدفی مهم و قابل فهم دارد. معناداری زندگی برای تمام افراد و به ویژه برای والدین کودکان کم توان ذهنی اهمیت به سزایی دارد، زیرا وقتی هدف از زندگی مشخص باشد فرد دچار احساس پوچی و بیهودگی، دل سردی و ناامیدی نمی شود بلکه توانایی بیشتری برای مقابله با سختی ها و شکست ها پیدا می کند. داشتن معنا در زندگی با در نظر گرفتن گذرایی هستی و وجود انسانی به جای بدبینی و انزوا، انسان را به تلاش و فعالیت فرا می خواند و بیان می دارد که آنچه انسان ها را از پای در می آورد، رنج ها و سرشت نامطلوب آنها نیست، بلکه بی معنا شدن زندگی است که مصیبت بار است (۳۱). یافته های مطالعه یانگ و ماو (Yang & Mao, 2007) نشان داد داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت های مشکل زای زندگی و بهره مندی از حمایت های اجتماعی و معنوی همگی از جمله روش هایی هستند که افراد با دارا بودن آنها می توانند در رویارویی با حوادث تنش زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند (۳۲). در مطالعه لنت (Lent, 2004) به تأثیر معناداری زندگی بر ایجاد ویژگی های مثبت مانند احساس خودکارآمدی و مقابله کارآمد با مشکلات از طریق تمرکز بر مسأله تأکید شده است (۱۲). همچنین مطالعه اسمیت و دیگران (۲۰۰۹) نشان داد توانایی سازگاری با درد با معناداری زندگی و تاب آوری ارتباط دارد. آنها معتقدند داشتن حس معنا و هدف در زندگی به فرد، انگیزه مقابله با استرس و سازگاری با درد حتی درد شدید را



آمدن با تیندگی ها (۳۵) و دلبستگی نایمن با شاخص های مشکلات روانی از قبیل اضطراب، افسردگی، تنهایی، خجالتی بودن، حسادت، عدم اعتماد به دیگران و مشکلات مقابله ای (۳۶) همراه است؛ روابط و دلبستگی ایمن به خداوند نیز با شاخص های سلامتی و بهزیستی (۳۷) و دلبستگی نایمن به خدا با سلامت روان پایین و مشکلات سازگاری توأم می باشد (۳۸).

یافته ها هم چنین نشان داد بین دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (جدول ۲) و ابعاد جوارجویی، پایگاه امن، پناهگاه امن، ادراک مثبت از خود و اضطراب جدایی قابلیت تبیین و پیش بینی معناداری زندگی این گروه از والدین را دارند (جدول ۴). یافته های سیمپسون، اکسلین، فلچر، تیلیون و بلوگمیدی و هیل و پارگامنت نیز نشان داد دلبستگی به خداوند رابطه ای مثبت با معناداری زندگی دارد (۴۳-۳۹).

می توان پذیرفت کارکرد عمده مذهب ایجاد معنا در زندگی است (۴۴) به طوری که مذهب به شخص احساس معناداری و ارتباط با حقیقت نهایی اعطا می کند. باور به این که خدایی هست که بر موقعیت ها مسلط و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت ها را کاهش می دهد و از طریق اتکای به خداوند می توان موقعیت های غیر قابل کنترل را در اختیار خود درآورد (۴۵) و به زندگی خود معنا بخشید.

مذهب نقش جدایی ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس زا ایفا می کند. پارگامنت و دیگران (۱۹۹۹) مقابله مذهبی را جستجوی معنا در زمان استرس می دانند (۴۶). مذهب و مقابله به

می بخشد. بر این اساس وجود معنا و هدف در زندگی باعث شکل گیری این ویژگی ها شده و از آن طریق باعث افزایش تاب آوری افراد می شود (۳۳).

یافته های دلبستگی به خدا نیز نشان داد که والدین کودکان کم توان ذهنی ارتباط و دلبستگی نسبتاً مطلوبی با خداوند دارند (جدول ۱) که بیانگر آن است این گروه از والدین، خداوند را پناهگاه و پایگاه امنی می دانند که در مواقع فشارهای روانی و تهدیدهای مختلف به او رجوع می کنند تا آرامش پیدا کنند و خداوند به آنها جرأت و جسارت رودررویی با مشکلات را می دهد و خداوند همیشه و به راحتی در دسترس بوده و از آنها محافظت می کند. بدین سبب هرگاه احساس کنند که خداوند از آنها دور است احساس اضطراب و نگرانی می کنند و با نماز، دعا، نیایش و اعمال صالحه او را به سوی خود فرا می خوانند. رفتارهای مذهبی نظیر نماز خواندن، صداقت، اعتماد به خداوند یا خواندن کتاب های مذهبی می تواند با ایجاد امید و تشویق در جهت دیدگاه مثبت نسبت به شرایط موجود و بیرون کشیدن فرد از یک بحران مأیوس کننده که بر روی آنها تسلط چندانی هم ندارد، سبب ایجاد یک نوع آرامش درونی گردد (۱۸).

رابطه دلبستگی انسان با خدا را می توان همانند رابطه دلبستگی انسان با انسانی دیگر (والدین، همسالان، همسر، همکار) تجسم نمود (۳۴) که به صورت پیوند عاطفی ایمن یا نایمن شکل می گیرد. همانگونه که دلبستگی ایمن به انسانی دیگر با اثرات مثبت در سلامت و بهزیستی روانی فرد حمایت شده از قبیل سطوح بالای اعتماد به نفس، شایستگی اجتماعی، رضایت از زندگی و کنار



می توان پذیرفت که مذهب و معنویت دیگر امری ماورایی نیست بلکه آثار مثبت آن بر کیفیت زندگی ثابت شده است. یافته های این مطالعه بر ارتباط مثبت و معنادار دل بستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی صحنه می گذارد. لذا تشکیل جلسات معنویت درمانی و آموزش استفاده از شیوه های مقابله مذهبی در حذف و بر طرف نمودن استرس ها و معنادارسازی زندگی این گروه از والدین توسط سازمان ها و نهادهای مربوطه از قبیل بهزیستی، آموزش و پرورش کودکان استثنایی، صدا و سیما پیشنهاد می گردد.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می بینیم تا از همه کسانی که با ما در انجام این مطالعه همکاری نمودند، خصوصا والدین مشارکت کننده و مسولان بهزیستی زاهدان، تقدیر و تشکر نماییم.

خصوص زمانی که مذهب در زندگی فرد مهم است و با حوادث استرس زا (از جمله داشتن کودک کم توان ذهنی)، همگرا هستند مواجه می شود. انسان به عنوان بخشی از هستی و بلکه سر آمد آن، موجودی رها، عبث و بی هدف نیست ("أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ" آیا می پندارید که همانا شما را بیهوده آفریده ایم و شما را به سوی ما بازگشتی نیست، سوره مومنون، آیه ۱۱۵) بلکه معنا و هدفی مهم را در زندگی دنبال می کند و با ذکر و یاد خداوند آرام می گیرد ("أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرام می گیرد، سوره رعد، آیه ۲۸). بر این اساس می توان خداوند را به عنوان موضوع دل بستگی در نظر گرفت که به انسان آرامش و ایمنی می بخشد، سبب می شود بتواند موقعیت های استرس زای غیر قابل مهار را در اختیار خود درآورد و احساس جهت و معنا در زندگی داشته باشد.

References

- 1- Ryff CD; Singer B. The contours of positive human health. *Psychological Inquiry* 1998; 9 (1):1-28.
- 2- Reker GT. Theoretical perspective, dimensions, and measurement of existential meaning. In GT. Reker & K. Chamberlain, (Eds.), *Exploring existential meaning: Optimizing human development across the life Span*. Thousand Oaks, CA: Sage, 2000: 39-55
- 3- Steger MF, Frazier P, Oishi S, et al. The meaningful life questionnaire: assessing the presence of and Search for Meaningful life. *Journal of Counseling Psychology* 2006; 53 (1):80-93.
- 4-Steger MF, Kashdan TB, Sullivan BA, et al. Understanding the search for meaningful life: personality, cognitive style, and the dynamic between seeking and experiencing meaning. *Journal of Personality* 2008; 76 (2):199-228.
- 5- Ames C. Classrooms: goals, structures, and student motivation. *Journal of Educational Psychology* 1992; 84 (3):261-71.



- 6-Zareyi Matin H, Kheyrandish M, Jahani H. Identify and measure the components of spiritual intelligence in the workplace. *Public management research* 2011; 4(12):71-94 [Persian].
- 7- King LA, Hicks JA, Krull JL, et al. Positive affect and the experience of meaning in life. *J of Personality and Social Psychology* 2006; 90(1):179-96.
- 8- Schenell T, Becker P. Personality and meaning in life. *Personality and Individual Differences* 2006; 41(1): 117-29
- 9- Wrosch C, Scheier MF. Personality and quality of life: The importance of optimism and goal adjustment. *Quality of Life Research* 2003; 12 (1): 59–72.
- 10-Wu Ch. Enhancing quality of life by shifting importance perception among life domains. *J of Happiness Studies* 2009; 10(1): 37-47.
- 11-Bower JE, Kemeny ME, Taylor SE, et al. Finding positive meaning and its association with natural killer cell cytotoxicity among participants in a bereavement –related disclosure intervention. *Annals of Behavioral Medicine* 2003; 25(2):146-55.
- 12- Lent RW. Toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychosocial adjustment. *J of Counseling Psychology* 2004; 51(4): 482-509.
- 13-Kim TH, Lee SM, Yu K, et al. Hope and the meaning of life as influences on Korean adolescent's resilience: implications for counselor. *Asia Pacific Education Review* 2005; 2(6):143-52.
- 14-Westerhof GJ, Bohlmeijer ET, Van Beljouw IM, et al. Improvement in personal meaning mediates the effects of a life review intervention on depressive symptoms in a randomized controlled trial. *Gerontologist* 2010; 50(4): 541–9.
- 15- Gorbani H. Meaning of life from the perspective of Viktor Frankl. *Taammulat Falsafi* 2009; 1(3): 37-62 [Persian].
- 16-Graham S, Furr S, Flowers C, et al. Religion and spirituality in coping with stress. *Counseling and Values* 2001; 46 (1): 2-14.
- 17-Kwilecki S. Religion and Coping: A Contribution from Religious Studies. *J for the Scientific Study of Religion* 2004; 43(4): 477–89.



- 18- Sajjadian I, Akrami N. The relationship between reliance on God and other approaches to confronting anxiety in high school girl students. *Knowledge & Research in Psychology* 2006; 8 (30):51-70 [Persian].
- 19-Granqvist P. Religiousness and perceived childhood attachment: on the question of compensation or correspondence. *J for the scientific study of religion*1998; 37(2): 350-67.
- 20- Weiss RS. Attachment in adult life. In CM, Parker, J. Stevenson Hind (Eds). *The place of attachment in human behavior*. New York: Basic Book; 1982: 171-84
- 21-Granqvist P. Building a bridge between attachment and religious coping: tests of moderators and mediators. *Mental Health, Religion & Culture* 2005; 8(1):35-47.
- 22-Kirkpatrick, LA. God as a substitute attachment figure: A longitudinal study of adult attachment style and religious change in college students. *Personality and Social Psychology Bulletin*1998; 24(9):961-73.
- 23-Grangvist P, Hagekull B. Religiousness and perceived childhood attachment: profiling socialized correspondence and emotional compensation. *J for the scientific study of religion*1999; 38(2): 254-73.
- 24-Kirkpatrick LA. The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in personal relationship*1994; 5, 239- 56.
- 25- Rose J, David G, Jones C. Staff who work with people who have intellectual disabilities: the importance of personality. *J research intellectual disability* 2003; 16(4):267- 77.
- 26-Kaufman AV, Campbell VA, Adams JP. A lifetime of caring: Older parents who care for adult children with mental retardation. *Community Alternatives: International J of Family Care* 1990; 2(1): 39-54.
- 27-Hoseyni Gomi T, Salimi Bajestani H. The relationship between religious orientation and endurance among the mothers having ailing children. *Ravanshenasi va Din* 2011; 4(3): 69- 82 [Persian].
- 28-Buelow JM, Mc Nelis A, Shore CP, et al. Stressors of parents of children with epilepsy and intellectual disability. *J of Neuroscience Nursing* 2006; 38(3): 147-76.
- 29-Mc Conkey R, Truesdale-Kennedy M, Chang MY, et al. The impact on mothers of bringing up a child with intellectual disabilities: A cross- cultural study. *International J of Nursing Studies*2008; 45(1):65-74.



- 30-Ahmadi B, Shahabizade F, Khazayi M. The intermediary role of religious coping in attachment to God styles and mental health of parents of children with disabilities. *J of Exceptional Education* 2012; (110): 7-20 [Persian].
- 31- Bahadori Khosroshahi J, Mahmood Aliloo M. The correlation between identity style and meaning of life. *J of psychological studies* 2012; 8(2): 143-64 [Persian].
- 32-Yang KP, Mao XY. A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *J of Nursing Studies* 2007; 44(6): 999-1010.
- 33-Smith BW, Tooley EM, Montague EQ, et al. The role of resilience and purpose in life in habituation to heat and pain. *J of Pain* 2009; 10(5): 493-500.
- 34-Kirkpatrick LA, Shaver PR. Attachment theory and religion: childhood attachments, religious beliefs, & conversion. *J for the Scientific Study of Religion* 1990; 29(3): 315-34.
- 35-Fonagy P. Psychoanalytic theory from the viewpoint of attachment theory and research. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York, NY, US: The Guilford Press; 1999: 595-624
- 36-Mikulincer M, Shaver PR. Attachment theory and emotions in close relationships: Exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Personal Relationships* 2005; 12(2): 149-68.
- 37-Sim TN, Loh BSM. Attachment to God: measurement and dynamics. *J of Social and Personal Relationships* 2003; 20(3): 373-89.
- 38-Beck R, McDonald A. Attachment to God: The attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences. *J of Psychology and Theology* 2004; 32 (2): 92-103.
- 39-Fletcher SK. Religion and life meaning: Differentiating between religious beliefs and religious community in constructing life meaning. *J of Aging Studies* 2004; 18 (2): 171-85.
- 40-Tiliouine H, Belgoumidi A. An exploratory study of religiosity, meaningful life and subjective wellbeing in Muslim students from Algeria. *Applied Research Quality Life* 2009; 4(1): 109-27.



- 41-Hill PC, Pargament KI. Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality. Implications for physical and mental health research. *American psychologist* 2003; 58(1): 64-74.
- 42-Exline JJ. The picture is getting clearer, but is the scope too limited? Three overlooked questions in the psychology of religion. *Psychological Inquiry* 2002; 13 (3): 245– 47.
- 43-Simpson JA. The ultimate elixir? *Psychological Inquiry* 2002; 13(3): 226–29.
- 44-Emmons RA, Paloutzian RF. The psychology of religion. *Annual Review of Psychology* 2003; 54(1): 377–402.
- 45-Fountoulakis KN, Siamouli M, Magiria S, et al. Late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical Hypotheses* 2008; 70 (3): 493-6.
- 46-Pargament KI, Ensing KF, Olsen, H, et al. God help me: I: religious coping efforts as predictors of the outcomes to significant negative life events. *American J of Community Psychology* 1999; 18(6): 793-824.



Relationship between attachment to God and meaningful life parents of mentally retarded children in Zahedan city

Jenaabadi H (Ph.D)¹ Sabegi F (M.Sc)²

1. Corresponding Author: Associate professor of education, University of Sistan and Baluchestan

2. Phd student of psychology, Semnan University

Abstract

Introduction: Birth of a mentally-retarded child affects the quality of life of parents, and accepting the facts, patience, and tolerance when dealing with problems depend greatly on the parents' worldview. In this regard, the present study was planned to assess the relationship between appeal to God and meaningful life of parents of mentally retarded children in Zahedan city.

Methods: This is a descriptive - correlational study and its population were parents of mentally-retarded children who had referred to Zahedan welfare organization between September to November 2012 out of whom 125 parents were selected by targeted sampling method. The study instruments included measures of appeal style to God (Larson and Ghobari, 2009) and meaningful life scale (Battista & Almond, 1973). The scores were analyzed using Spearman correlation coefficient and multiple regression by SPSS₁₇.

Results: parent's appeal to God and meaningful life were relatively desirable. There was a significant positive correlation between appeal to God and meaningful life. Multiple regression results showed that from subscales of appeal to God, maintaining proximity to God, God as a secure base, and positive own perception can explain and predict the meaningful life of these parents.

Conclusion: Given a significant positive correlation between appeal to God and meaningful life, it is suggested including spirituality therapy sessions and teaching religious coping methods to reduce stress and thus make meaningful life in these parents by welfare, education of exceptional children, and radio and television organizations.

Keywords: Attachment to God, Meaningful life, Parent of children with Mental retardation.